

تحلیل عوامل موثر و موانع توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی با تاکید بر مشاغل خانگی (مورد مطالعه دهستان قوری قلعه)

علی اصغر میرک زاده*^۱، فخرالدین خالدی^۲، ضیاء شه کرمی ریگی^۳ و محمد ادریس اله ویسی^۴

۱، استادیار گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه

۲، ۳، ۴، دانشجویان کارشناسی ارشد گروه ترویج و توسعه روستایی دانشگاه رازی، کرمانشاه

(تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱ - تاریخ تصویب: ۹۶/۸/۲۷)

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی عوامل موثر و موانع توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی در مناطق روستایی دهستان قوری قلعه با تاکید بر اشتغال خانگی و عوامل موثر بر آن بود. جامعه آماری تحقیق را خانوارهای روستایی بخش قوری قلعه، تعداد ۶۲۴ خانوار (N=۶۲۴) تشکیل داد. تعداد ۲۴۰ نمونه بر اساس جدول کریجسی مورگان و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد که روایی آن به شیوه محتوایی و با کمک کارشناسان و پایایی آن نیز با محاسبه آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد که ۰/۹۴ حاصل گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با دو نرم افزار SPSS19 و 2010 Excel انجام شد. نتایج نشان داد که در تمامی روستاهای مورد مطالعه پتانسیل‌های تولیدی بیشتر از میزان ظرفیت و توان انسانی منطقه بوده است. همچنین، نتایج نشان داد که مهم‌ترین عوامل موثر بر تنوع بخشی به فعالیت‌های تولیدی در این دهستان عبارتند از: عوامل اقتصادی، آموزشی، مدیریتی، انگیزشی و جامعه‌شناختی. مهم‌ترین موانع تنوع بخشی به فعالیت‌های غیرکشاورزی عبارتند از: موانع اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، ساختاری و مدیریتی که در مجموع ۶۱/۵ درصد کل موانع را تبیین کردند.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، مشاغل خانگی، مشاغل غیر کشاورزی، تنوع بخشی، فعالیت‌های تولیدی.

مقدمه

را خود تولید و مصرف کنند. یعنی جامعه روستایی علاوه بر تولید محصولات کشاورزی باید در سایر زمینه‌های تولیدی نیز فعالیت داشته باشند. به عبارت دیگر، تقسیم کار اجتماعی در روستاها به‌طور کامل انجام نمی‌شود و بین تولید کشاورزی و تولیدات غیر کشاورزی موردنیاز جامعه تمایز مشخصی دیده نمی‌شود. این ویژگی قرن‌های متمادی در جامعه روستایی کشور ما حاکم بوده است و هنوز نیز وجود دارد (Zahedi, 2012). تصور

از گذشته بسیار دور تا به امروز، ویژگی تولید در حوزه‌های روستایی کشور ما آمیختگی تولید کشاورزی و تولید مصنوعات (کالاها) غیر کشاورزی بوده است. تا همین اواخر، روستاها چون در خارج از حیطه اقتصاد پولی بودند و مبادلات تجاری در آن‌ها رواج نداشت؛ از این‌رو، جوامع نسبتاً بسته‌ای را تشکیل می‌دادند که ساکنان آن تقریباً ناگزیر بودند که تمامی مایحتاج‌شان

روستاها مهاجرت نموده‌اند (Bureaus of Statistics, 2012). مهاجرت در اثر وجود شرایط نامساعد از قبیل فقر صورت می‌گیرد. صاحب‌نظران بر این اعتقاد هستند که باید به‌طور ویژه و مشخص به امر توسعه‌ی روستایی و ریشه‌کنی فقر گسترده‌ای که بر آن‌ها حاکم است، پرداخت و در این میان، کسب و کار خانگی به عنوان گزینه‌ای مناسب مطرح می‌باشد (Pouratashi, 2010).

مرور ادبیات تحقیق

کسب و کارهای خانگی بزرگ‌ترین گروه کسب و کار در استرالیا بوده، به‌گونه‌ای که ۶۷ درصد کسب و کارهای کوچک و ۵۸ درصد کل کسب و کار در این کشور را شامل می‌شود. هم‌چنین، این گروه حدود نیمی از کسب و کارهای کوچک در انگلیس و ۵۲ درصد فعالیت بخش خصوصی در آمریکا را به خود اختصاص داده است و بخشی مهم از اقتصاد این کشورها را کنترل می‌کنند (Khoneyfar et al., 2011).

مشاغل خانگی مزایا و منافع زیادی را برای صاحبان آن‌ها در پی دارد که از جمله‌ی آن می‌توان توازن بین مسئولیت خانوادگی و اشتغال آن‌ها، حذف هزینه‌ی خرید، رهن و اجاره‌ی کارگاه و ایاب و ذهاب، به‌کار گرفتن نیروی کار سایر اعضای خانواده و ایجاد زمینه‌ی کار خانوادگی، امکان انتقال تجارب از طریق آموزش غیررسمی به شیوه‌ی استاد شاگردی بین اعضای خانواده و غیره اشاره نمود (Home business Website, 2011). اگر چه کسب و کار خانگی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه غالباً به‌صورت غیررسمی بوده و از آن‌ها درآمد چندانی نصیب دولت‌ها نمی‌شود، اما تحقیقات نشان می‌دهد که این نوع کسب و کارها نقش قابل توجهی در توسعه‌ی اشتغال و کارآفرینی ایفا می‌کنند (Tipple, 2006).

برطبق نظریه‌ی توسعه‌ی انسانی و معقول کار در آینده در خدمت دیگران نخواهد بود، بلکه فعالیتی است که انسان برای خود سازمان داده، تحت مدیریت و کنترل خود و در جهت رفع نیازهایش می‌باشد (Alvani, 2009). به این ترتیب در سال‌های اخیر شمار صاحبان مشاغل خانگی رو به افزایش می‌باشند (CENBR, 1998).

می‌شد که اصلاحات ارضی با دگرگون کردن اساس مصرف روستاها و افزودن به‌آن، و با کشاندن روستاها به‌حیطه اقتصاد پولی، و با عمومیت بخشیدن به‌مبادله، اساس این رابطه را دگرگون کرده باشد. اما، در عمل، در روستاها تولید کالاها ی غیر کشاورزی در جوار تولید کشاورزی به‌حیات خود ادامه داد. شکی نیست که در جریان این دگرگونی‌های ساخت اقتصادی روستا تولید کالاها ی غیر کشاورزی به‌عنوان فعالیت‌های جنبی کشاورزی بسیار بیش‌تر از خود تولیدات کشاورزی آسیب دیده است. به‌طور کلی اقتصاد روستایی کشورمان، از تنوع و کارکردهای مختلفی برخوردار می‌باشد. این امر لزوم توجه بیشتر به این بخش از عرصه اقتصادی کشور را ایجاب می‌نماید، با توجه به حساس بودن مناطق روستایی و تاثیرپذیری آن از عوامل محیطی و طبیعی که خارج از کنترل برنامه‌ریزی‌های انسانی است، تدوین طرح و حمایت‌های مادی و معنوی از اقتصاد روستایی، می‌تواند این بخش از اقتصاد را در برابر عوامل مختلف مقاوم سازد (Nemati, 2012). _استقرار فعالیت‌های متنوع در روستا به عنوان اهرمی پویا برای توسعه و هم‌چنین، یک تصمیم سرنوشت ساز برای رشد و تعالی اقتصادی و اجتماعی است. در این میان، بحث مشاغل خانگی به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تنوع فعالیت‌های اقتصادی در روستا مطرح می‌شود (Taghibai, 2011).

این پتانسیل در حالی در روستاهای ما وجود دارد که یکی از مهم‌ترین چالش‌های اکثر دولت‌ها در دهه‌های آتی، افزایش نرخ بیکاری جوانان خواهد بود. چرا که تا چند دهه دیگر بیش از دو میلیارد زن و مرد جوان در سراسر دنیا به سن اشتغال خواهند رسید. بر اساس برآوردهای سازمان بین‌المللی کار^۱ با وجود حدود ۱۰۰ میلیون دختر و پسر جوان بیکار در سرتاسر دنیا، نیاز به ایجاد اشتغال برای جوانان، غیرقابل انکار است. باتوجه به اینکه فقر روستایی به عنوان یکی از عمده‌ترین معضلات و چالش‌های کشورهای در حال توسعه مطرح می‌شود، پیامدهای گوناگونی از جمله مهاجرت را در پی دارد، که در روستاهای استان کرمانشاه ۱۶۸۳۹۵ نفر از

ایجاد اشتغال پایدار و کاهش نرخ بیکاری می‌باشد (Emami maibodi, 2004).

کسب و کارهای روستایی نیز امروزه به عنوان یکی از فعالیت‌های محوری در راستای توسعه‌ی متوازن مناطق روستایی کاهش نرخ بیکاری در مناطق غیرشهری و معکوس‌سازی جریان مهاجرت داخلی از کلان شهرها به شهرهای کوچک و مناطق روستایی در کانون توجه سیاست کلان اقتصادی دولت‌ها هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. با توجه به آمار استانداری استان کرمانشاه کل جمعیت روستاهای استان ۱۲۴۵۳۵۴ نفر که به تفکیک می‌باشد. در این میان ۳۳۲۷۰۲ نفر شاغل و ۱۰۴۰۹۷ نفر بیکار وجود. همچنین، شهرستان روانسر که دارای ۲ بخش، ۶ دهستان و ۱۴۸ روستا می‌باشد با جمعیت ۵۷۵۱۸ است، که از این تعداد ۳۶۵۴۶ نفر بیکار هستند. در این بین دهستان قوری قلعه که دارای ۱۰ روستا می‌باشد، با جمعیت ۲۶۴۳ نفر، ۲۰۶۴ نفر بیکار را در خود جای داده است (National portal of statistics, 2007). این ارقام موید دردناک بودن آمار اشتغال در این دهستان می‌باشد.

پژوهش حاضر ضمن آگاهی به موضوع و اهمیت بررسی مسایل پیش‌روی خانوارها از قبیل بیکاری، سطح پایین اقتصادی و رفاهی به ویژه در سطح روستاهای استان کرمانشاه در پی شناسایی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های شغلی موجود در محیط زندگیشان جهت برطرف ساختن مشکل اقتصادی و بیکاری آنان می‌باشد. با توجه به مطرح شدن بحث کسب و کارهای خانگی در دنیا و نیز، در ایران، از اهمیت این کسب و کارها می‌توان به فراهم نمودن فرصت مناسب جهت اجرای یک ایده‌ی کارآفرینانه با ریسک و هزینه‌های بسیار پایین، داشتن تمایلات کارآفرینانه‌ی صاحبان این مشاغل و بالا بودن رشد سالانه‌ی کسب و کارهای خانگی (۱۶ درصد) نسبت به کسب و کارهای کوچک (۱۱ درصد) اشاره نمود (Finmark, 2006). نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آنرا کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی کرد. اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات اساسی و اقتصادی هر کشور است به‌گونه‌ای که آمار اشتغال بالا و بیکاری پایین از جمله شاخص‌های

طبق گزارش دفتر نیروی کار آمریکا در سال 1998 حدود ۶/۱ میلیون یا ۶ درصد از خانوارهای آمریکای یک کسب‌وکار خانگی را اداره می‌کنند (Nase, 2006). این در حالی است که بزرگترین گروه کسب و کار در استرالیا به کسب و کارهای خانگی اختصاص دارد به‌طوری‌که ۶۷ درصد کسب و کارهای کوچک و ۵۸ درصد کل کسب و کارهای این کشور را شامل می‌شود و همچنین، نیمی از کسب و کارهای کوچک در انگلیس را به خود اختصاص داده است (Walker et al., 2008).

به‌منظور پایداری مشاغل خانگی در تراز جهانی جهت صادرات باید اقداماتی در این جهت انجام داد که از جمله می‌توان به‌کارگیری سیاست‌های تشویقی و حمایتی از صنایع کوچک به خصوص تولیدات خانگی و بهره‌گیری از آخرین پدیده‌های فناوری با اتخاذ راهکارها و راهبردهای توسعه صادرات تولیدات خانگی، سیاست‌های حمایت و بازاریابی، بازار شناسی و تحقیقات در سطح جهانی، توسعه‌ی همه جانبه‌ی توانمندی‌های فنی و تکنولوژی از طریق برنامه‌های اجرایی در سطح کلان کشور استفاده از شیوه‌های آموزشی جدید و آخرین یافته‌های آموزش برای افزایش مهارت‌های فنی و تکنولوژیکی نیروهای فنی مشاغل در منازل، تشویق و ترغیب کارآفرینان خانگی به استفاده از نوآوری و خلاقیت‌های تولید محصولات ویژه و منحصر به فرد و با افزایش چشمگیر تولیدات، تأمین نیازهای مالی و امثال آن در امر تولیدات خانگی و بازرگاری در مورد سیاست‌های مالیاتی، محدودیت‌های بازرگانی، صادراتی و قوانین حقوقی می‌باشد (Rodgarnejad & Kiakajori, 2010).

نگاهی گذرا به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جهان نشان می‌دهد که کسب و کارهای خانگی رشد فزاینده و قابل توجهی داشته و همچنین، نقش مهمی در تولید ناخالص ملی کشورهای پیشرفته صنعتی ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مسایل کشورها در دنیای امروز و به خصوص کشورهای در حال توسعه با جمعیت نسبتاً جوان که نظام‌های سیاسی این جوامع را با چالش جدی روبرو کرده است، مسئله افزایش نرخ بیکاری است و با اطمینان زیاد می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اولویت‌هایی که در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی به آن اهمیت داده می‌شود،

مهم توسعه یافتگی جوامع به شمار می‌رود (Abasian et al., 2011).

مشاغل خانگی، هزینه بالایی را به خانواده‌ها تحمیل نمی‌کند و در عین حال، می‌تواند سبب افزایش درآمد و در نهایت تولید ثروت در کشور شود. ضرورت توسعه کسب و کارهای خانگی از جمله راهکارهای مناسب برای توسعه اشتغال‌های خرد و متوسط به‌ویژه برای جمعیت وسیعی از زنان و جوانان که دارای مهارت کافی در انجام برخی از کارها هستند، اما به دلیل بازار نامناسب اشتغال نمی‌توانند جذب بازار شوند، می‌باشد (Nahid, 2011).

در ایران با توجه به ترکیب جمعیتی، کسب و کارهای کوچک خانگی می‌تواند بازدهی مناسبی داشته باشد و در کوتاه مدت و حتی در میان مدت در رفع مشکل بیکاری موثر باشد. در این رابطه، سازمان دیده-بان جهانی کارآفرینی اعلام کرد که توسعه‌ی کسب و کارهای کوچک و متوسط منجر به کاهش نرخ بیکاری به‌طور معناداری می‌شود که سهم مشاغل خانگی در بین این کسب و کارها ۳۰ درصد است (Ministry of Labour and Social Affairs, 2009).

با توجه به وضعیت بیکاری و مهاجرت در روستاهای کشور به‌ویژه استان کرمانشاه، همچنین، خلاء و نیاز مطالعاتی در زمینه شناسایی فرصت‌های اشتغال خانگی و توسعه‌ی آن محققان را بر آن داشت تا این موضوع را در کرمانشاه بررسی کنند. بررسی مطالعات شناسایی پتانسیل‌ها و استعدادیابی علاوه بر فراهم آوردن شرایط استفاده‌ی بهینه از منابع، امکان توسعه‌ی آن پتانسیل‌ها را فراهم می‌آورد. نتایج این پژوهش می‌تواند علاوه بر کاهش معضل بیکاری، افزایش سطح رفاه خانوارها، کاهش مهاجرت روستایی، افزایش تولید ناخالص و امکان توسعه‌ی روستاها و متعاقباً توسعه‌ی ملی را فراهم آورد. مباحث مربوط به ادبیات مشاغل خانگی در ایران از غنای کافی برخوردار نیست و این خود مانعی برای شناخت ابعاد مختلف مقوله است. در این میان، Golabi et al (2010) به نقل از Locer، بیان داشتند که کسب و کارهای خانگی یکی از راهکارهای توسعه‌ی اقتصادی و گسترش فرهنگ کارآفرینی در جوامع می‌باشند. Carter et al. (2004) به این نکته اشاره کردند که در جوامع پرهرج و مرج و متغیر کنونی که شرکت‌ها با تهدیدهای

بسیاری روبرو هستند، کسب و کارهای خانگی گزینه‌ی امنی برای کارآفرینان به شمار می‌روند.

تعاریف کسب و کار خانگی

تعاریف گوناگونی از مشاغل خانگی ارائه گردیده است. برای مثال، در تعریفی که توسط Mavalizadeh (2011) ارائه گردید: کاری که توسط اعضا خانواده در محیط خانه صورت می‌گیرد و مزاحمتی برای همسایگان ایجاد نشود و این‌که در محیط خانه فقط تولید کالا صورت گیرد و عرضه، فروش و بازاریابی آن به خارج از محیط مسکونی انتقال یابد. تعریف Finemark (2006) این‌گونه بیان می‌دارد: هر نوع فعالیتی که در آن فرد یا افراد در محل زندگی‌شان بدون اینکه در استخدام یا مدیریت دیگری باشند به‌صورت مستقل و در جهت ایجاد ارزش افزوده به تولید، ارائه‌ی خدمات و فروش می‌پردازند. بنا به تعریف فوق کسب و کارهای خانگی به سه نوع کسب و کارهای خانگی تولیدی، خدماتی و خرده‌فروشی تقسیم بندی می‌شود (Finemark, 2006).

تعاریف متعدد از کسب و کار خانگی را در سه دسته جای می‌دهند که عبارتند از: الف: تعاریف فراگیر: در این‌گونه تعریف هیچ تمایزی میان کارکنان خانگی و کار آفرینان خانگی وجود ندارد. به‌عنوان مثال، هیچ تفاوتی میان کارمند بانکی که وظایفش را از طریق شبکه اینترنتی در خانه انجام یا فردی که به‌طور مستقل کسب و کار اینترنتی در خانه به راه انداخته وجود ندارد و هر دو کسب و کار خانگی نامیده می‌شوند. ب: تعاریف پالوده: هر نوع فعالیتی که در آن به صورت تمام وقت یک کسب و کار مستقل را در خانه اداره می‌کند. تعریف خاص: تنها کسب و کارهایی را شامل می‌شود که فرد به‌صورت تمام وقت و در خانه آن را اداره می‌کند (Khonaifar et al., 2010). مشاغل خانگی به‌عنوان راهکاری مهم جهت ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان محسوب می‌گردد.

موانع توسعه مشاغل خانگی

پژوهش‌های گوناگونی در رابطه با موانع توسعه و یا ایجاد مشاغل خانگی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. نتایج پژوهش Kntand & kjldsen نشان می‌دهد که انجام وظایف منزل و وجود فرزندان خردسال مانعی برای ورود و عدم گرایش به

حمایت و ترویج این آموزه‌ها در سطح آمایش سرزمین شناسایی و طبقه‌بندی مشاغل خانگی بر اساس گستردگی و تنوع آن در سطح کشور و مناطق مختلف و رونق بخشی به تحرک محصولات آن برگزاری کارگاه-های معرفی مشاغل نوپدید به کارآفرینان خانگی جهت موفقیت و درآمدزایی بعد از تولید بسیار مهم و تعیین کننده فراهم کردن سریع وام‌های خرد و کم بهره به چرخه‌ی تولید کارآفرینان خانگی واگذاری خدمات و ترغیب کارآفرینی و آموزش‌های لازم به ویژه در موضوعات کارآفرینان مستقل و خانگی و کسب و کارهای کوچک.

عوامل رونق گرفتن کسب و کارهای خانگی در سال-های اخیر شامل: ظهور و گسترش فناوری‌های جدید به خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات که باعث رونق گرفتن کار از راه دور و کسب و کار اینترنتی شده است. تغییر ساختار صنعتی و سازمانی و برونسپاری‌هایی که انجام می‌شود موجب افزایش احساس ناامنی شغلی و تلاش بیشتر برای خوداشتغالی در افراد شده که در نتیجه توجه به کسب و کارهای خانگی می‌تواند مرجع مناسبی برای پاسخ به این برونسپاری‌ها باشد. تغییر ارزش‌های اجتماعی از یک سو همچون تمایل افراد به آزادی و استقلال بیشتر در کار و حضور بیشتر در کنار خانواده و از سوی دیگر، ارتقای سطح استاندارد زندگی در میان خانواده‌های امروزی که نیازمند درآمد بیشتر است، دو نیروی متضادی است که برآیند آن راه‌اندازی یک کسب و کار در خانه را سبب می‌گردد (Walker & Webster, 2004).

Pouratashi (2010) در پژوهش خود ارتقای سواد کارآفرینی زنان روستایی از طریق برنامه‌های آموزشی و ترویجی را بهترین راهکار توسعه‌ی فرهنگ کارآفرینی در روستاها دانست که علاوه بر توسعه سواد خواندن و نوشتن (سواد عمومی و پایه) توسعه‌ی مجموعه‌ای از سوادهای فرهنگی، فناوری و اطلاعاتی باعث توانمند شدن روستاییان شده و آنان را در ایجاد توسعه و بهره-برداری از کسب و کارها و منابع خودیاری می‌رساند.

Khonefer et al. (2010)، انگیزه‌های افراد برای شروع کسب و کار خانگی را به پنج دسته؛ انگیزه‌های کارآفرینانه، انگیزه‌های خانوادگی، انگیزه‌های کارجویانه،

سمت مشاغل خانگی می‌باشد (Kent & Kjeldsen, 2000). در همین راستا، Fry (1993) بیان می‌دارد که موانع اصلی توسعه کسب و کارهای خانگی شامل: عدم تخصص، نبود بازار، موانع اطلاعاتی، عدم تامین مالی، موانع قانونی و عدم وجود طرح کسب و کار می‌باشد. Hisrich (1999) مسایل مالی گرفتن وام، مشکلات شخصی، کمبود مشاور، عدم ارتباط با دیگر کارآفرینان، کمبود تجارب مدیریتی و بالاخره بی‌تجربگی در جذب افراد به‌منظور کمک در فعالیت‌ها را از عمده‌ترین مشکلات پیش‌روی زنان کارآفرین در مراحل اولیه شروع کار برشمرده‌اند. همچنین، Zarafshani (2007) موانع و محدودیت‌های شغلی زنان روستایی را در سه دسته‌ی موانع فردی؛ (موانعی که برخاسته از محدودیت شخصی و خانوادگی زنان کارآفرین است. مواردی نظیر تعداد فرزندان، وضعیت تأهل، مخالفت همسر و ...)، موانع سازمانی؛ (موانع مالی، فیزیکی، بازاریابی، فروش و منابع انسانی است)، موانع محیطی؛ (موانعی که عمدتاً موانع فرهنگی، اجتماعی و تا حدی قانونی هستند) ارایه می‌دهد.

عوامل موثر بر ایجاد و توسعه مشاغل خانگی

از جمله مهم‌ترین راهکارهای توسعه این نوع کسب و کارها عبارتند: بکارگیری سیاست‌های تشویقی و حمایتی از صنایع کوچک بویژه تولیدات خانگی، اتخاذ راهکارها و راهبردهای توسعه صادرات تولیدات خانگی، سیاست‌های حمایتی در بازاریابی، بازاریابی و تبلیغات در سطح جهانی، توسعه همه‌جانبه توانمندی‌های فنی و تکنولوژیکی از راه برنامه‌های اجرایی در سطح کلان کشور، استفاده از شیوه‌های آموزشی جدید، تشویق و ترغیب کارآفرینان خانگی به استفاده از نوآوری و خلاقیت‌های تولید محصولات ویژه و منحصر به فرد، تامین نیازهای مالی و اعتباری از راه تعدیل سیاست‌های مالی و پولی برای تامین نیازهای مالی، محدودیت‌های بازرگانی، صادراتی و قوانین حقوقی می‌باشد (Roodgarneza et al., 2011).

در پژوهش Khonefer et al. (2010) جهت پیشرفت و ترقی مشاغل خانگی پیشنهادهای ارایه داده‌اند: توجه سیاستگذاران به‌ویژه در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای جهت فراهم کردن بستر انگیزه بخش به شاغل خانگی و

جامعه آماری این تحقیق را سرپرست خانوارهای روستایی بخش قوری قلعه، از شهرستان روانسر که طبق سرشماری آمار نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، تعداد ۶۲۴ خانوار می‌باشند، تشکیل می‌دهد. در این پژوهش حجم نمونه با استفاده از جدول Krejci and Morgan (1970) ۲۴۰ نفر (سرپرست خانوار) تعیین گردید، سپس از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای طبقه‌ای با انتساب متناسب استفاده شده است (جدول شماره ۱).

جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات تحقیق موضوع، از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، کتاب‌ها و نیز از وب سایت‌های اینترنتی (Borg & Gall, 1971) مرتبط استفاده شده است. در مرحله بعد، به منظور جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از پرسشنامه همراه با مصاحبه استفاده شده است. پرسشنامه از ۸ بخش تشکیل شده است که شامل: مشخصات فردی و خانوادگی افراد، ظرفیت و پتانسیل مشاغل خانگی در روستا، توانایی فردی و خانوادگی جهت ایجاد مشاغل کوچک و خانگی، عوامل انگیزشی و جامعه شناختی، عوامل آموزشی موثر، عوامل اقتصادی، عوامل مدیریتی موثر در ایجاد و توسعه مشاغل خانگی، موانع و مشکلات راه‌اندازی و توسعه مشاغل خانگی بود. جهت سنجش هر کدام از قسمت‌های پرسشنامه با توجه به مقیاس گویه‌ها از طیف مناسب بهره گرفته شد. اعتبار محتوی این پرسشنامه توسط اساتید گروه ترویج و توسعه روستایی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی مورد تایید قرار گرفته است. در این پژوهش جهت تعیین پایایی ابزار از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین منظور، ۳۰ نفر از روستاییان گروه هدف، مورد پیش آزمون و سپس با آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه محاسبه شد. میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای سوالاتی از پرسشنامه که از طیف لیکرت استفاده شده بود برابر ۰/۹۴ بدست آمد، که نشان از پایایی مناسب ابزار تحقیق می‌باشد. همچنین، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو نرم افزار SPSS¹⁹ و Excel 2010 استفاده شد.

نتایج و بحث

از ۲۴۰ نفر افراد روستایی مورد مطالعه ۷۴ درصد را مردان و ۲۶ درصد را زنان تشکیل می‌دادند، در میان ۱۲،۵ درصد را مجردین و ۸۷،۵ درصد باقی را متأهلین

انگیزه‌های مالی و انگیزه‌های اعتقادی دسته‌بندی نمودند. همچنین، نتایج Tipple Groham (2006)، نشان می‌دهد که زنان در جوامع تحت فرهنگ اسلامی و هندو گرایش بیشتری به کسب و کارهای خانگی دارند. بنابراین، هدف کلی این پژوهش تحلیل عوامل موثر و موانع توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی با تاکید بر مشاغل خانگی که برای رسیدن به این هدف باید ابتدا به اهداف اختصاصی دست یافت که عبارتند از:

شناسایی پتانسیل‌های منطقه و توانایی افراد در زمینه مشاغل خانگی،
اولویت‌بندی و سطح بندی منطقه مورد مطالعه براساس پتانسیل‌های مشاغل خانگی به تفکیک روستا،
بررسی عوامل موثر و موانع و محدودیت‌های راه اندازی کسب و کار خانگی

روش و نوع تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیر آزمایشی و از لحاظ هدف در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. همچنین، تحقیق از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی است که از شیوه‌های پیمایش و ابزار پرسشنامه و مصاحبه جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

جدول ۱- حجم جامعه و نمونه به تفکیک روستاهای مورد مطالعه

ردیف	نام روستا	تعداد خانوار	تعداد نمونه
۱	چشمه میران	۴۲	۱۶
۲	قوری قلعه	۲۱۱	۸۰
۳	شبانکاره	۸۱	۳۱
۴	عایشه دل	۸	۳
۵	ده لیلی	۸۸	۳۴
۶	بن چله	۱۱۵	۴۴
۷	بز گوره	۴۹	۱۹
۸	خوری آباد	۱۸	۷
۹	لوزایی	۶	۳
۱۰	نوخان	۶	۳
۱۱	دهستان	۶۲۴	۲۴۰

تشکیل می‌دهند. از نظر درآمد بیشترین درآمد، ۷۰۰ هزار تومان و کمترین درآمد ۱۰۰ هزار تومان و میانگین درآمدی افراد ۳۰۰ هزار تومان در ماه بود. طبق جدول ۲ این دهستان شامل ۱۰ روستا می‌باشد. و اکثر روستاها نزدیک جاده اصلی بوده، حداقل فاصله این روستاها تا شهرستان روانسر ۱۰ کیلومتر و حداکثر فاصله تا شهرستان روانسر ۸۰ کیلومتر است. شغل اکثر مردم روستا دامداری، باغداری و کشاورزی است. منابع آب شرب روستاها از لوله‌کشی (کلات) تامین می‌گردد (جدول شماره ۲).

تشکیل می‌دادند. از نظر سن پاسخگویان، کمترین سن پاسخگو ۲۰ سال، بیشترین سن پاسخگو ۷۵ سال و میانگین سنی جامعه مورد مطالعه ۴۲ سال بوده است. از نظر تحصیلات نیز ۳۴,۲ درصد افراد را بی‌سوادان، ۱۵,۸ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۳,۸ درصد راهنمایی، ۲۰,۴ درصد دیپلم و ۱۵,۸ درصد بالای دیپلم تشکیل داده‌اند. همچنین، از نظر شغلی، ۳,۸ درصد را بیکاران، ۱۵,۸ درصد را کارمندان دولتی، ۲۴,۵ درصد را کشاورزان، ۱۷,۱ درصد را دامداران، ۹,۲ درصد را کارگران فصلی، ۷,۹ درصد را باغداران و ۲۰,۸ درصد را افراد با شغل آزاد

جدول ۲- شمای کلی دهستان قوری قلعه از نظر وضعیت استقرار و ویژگی‌های جمعیتی

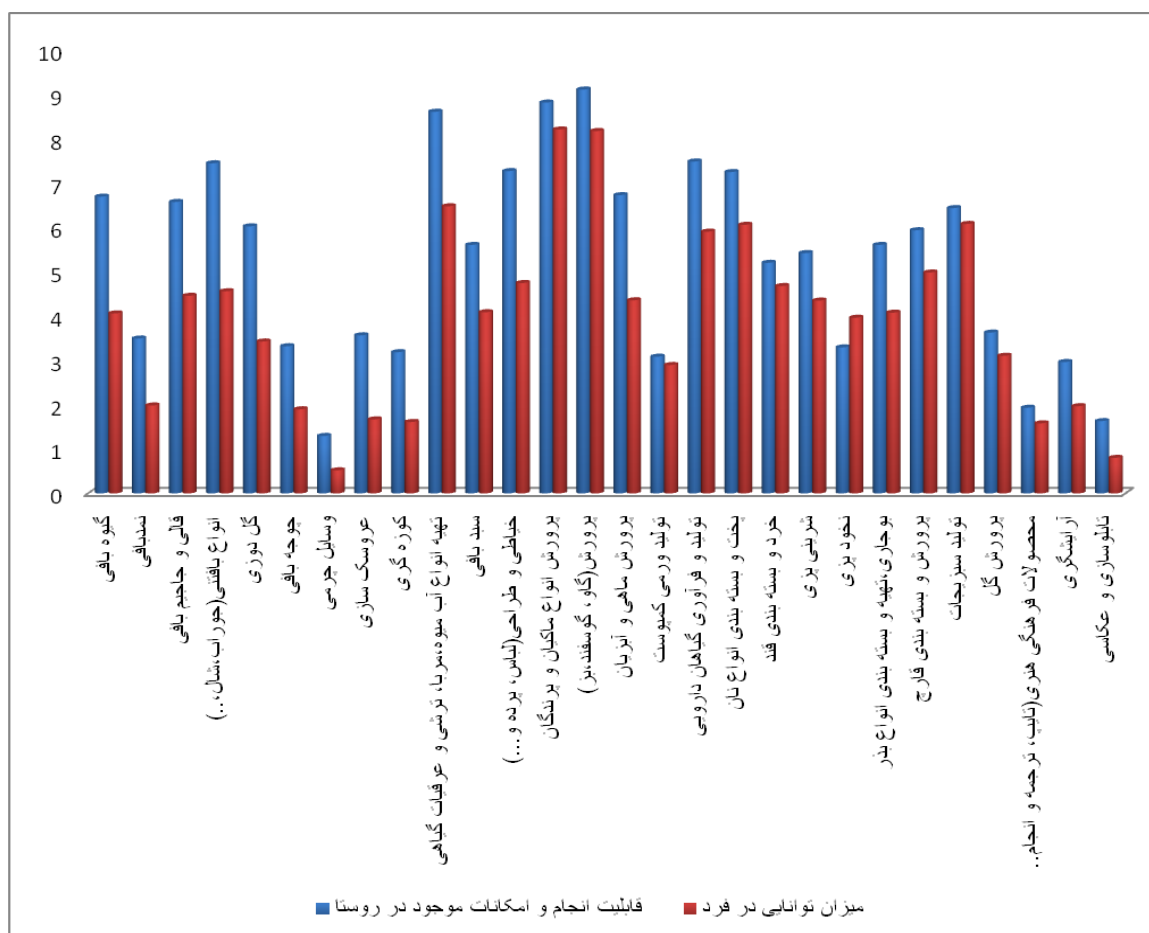
نام روستا	جمعیت کل	فاصله تا جاده اصلی	فاصله تا شهر	شغل اکثریت
چشمه میران	۲۰۰	۳/۵	۱۷	باغداری و دامداری
قوری قلعه	۹۹۴	۱	۲۵	باغداری و دامداری
شبانکاره	۴۲۴	۲	۱۰	دامداری و باغداری
عایشه دل	۵۰	۲	۲۰	باغداری و دامداری
ده لیلی	۵۶۰	۱,۵	۱۵	کشاورزی و دامداری
بن چله	۶۰۴	۱	۲۳	کشاورزی و دامداری
بزگوره	۲۴۴	۳	۳۲	باغداری و دامداری
خوری آباد	۹۸	۷	۱۸	دامداری و باغداری
لوزایی	۴۰	۶	۲۴	دامداری و باغداری
نوخان	۲۶	۵	۳۵	باغداری و کشاورزی

اکثر روستاهای مورد مطالعه مشاغلی مثل «تهیه انواع آب‌میوه، ترشی، عرقیات گیاهی، پرورش انواع ماکیان، پرورش گاو، گوسفند، بز و...» انواع بافتنی، تولید و فرآوری گیاهان دارویی و پخت و بسته‌بندی انواع نان جهت فروش در شهر» دارای پتانسیل‌های بیشتری نسبت به سایر مشاغل بودند.

مشاغلی مثل تابلوسازی، عکاسی، محصولات فرهنگی، جز در روستای قوری قلعه (به دلیل دارا بودن پتانسیل گردشگری و جمعیت بالا) از پتانسیل‌های بسیار کمی در منطقه برخوردار بودند. و حتی با آموزش و فراهم کردن شرایط برای راه‌اندازی این شغل در منطقه شانس موفقیت اندکی خواهد داشت. از سایر مشاغلی که منطقه پتانسیل و ظرفیت آن را دارد. همچنین، مردم روستاها توانایی انجام آن را دارا می‌باشد می‌توان به نخ-ریسی، توپ دوزی و زنبورداری اشاره کرد (نمودار ۱).

بررسی تطبیقی میزان توانایی و قابلیت‌های موجود با ظرفیت‌های منطقه برای انجام مشاغل خانگی:

در نمودار (۱) علاوه بر انواع فعالیت‌های قابل توسعه به عنوان شغل خانگی در منطقه مورد مطالعه تطبیق بین آنچه اکنون در توان روستاییان برای انجام این گونه فعالیت‌هاست با آنچه که ظرفیت واقعی منطقه مورد مطالعه است انجام شده و به‌طور کلی ملاحظه می‌شود که ظرفیت‌های بالقوه منطقه به فعلیت در نیامده است. لذا، با توجه به نمودار (۱) که به مقایسه میزان توانایی فرد (با توجه به میانگین پاسخ‌های به‌دست آمده) در انجام مشاغل خانگی در کل دهستان پرداخته است. می‌توان این گونه نتیجه گرفت که: در اکثر مشاغل خانگی پتانسیل‌های منطقه بیشتر از توانایی افراد ارزیابی شده است. طبق مشاهدات، منطقه مورد مطالعه دارای ظرفیت‌های بسیار مناسبی برای مشاغل خانگی می‌باشد.



نمودار ۱- مقایسه بین میزان توانایی افراد و پتانسیل‌های منطقه برای

اولویت عوامل موثر در ایجاد مشاغل خانگی

برای پی بردن به این نکته که کدام یک از عوامل تأثیر بیشتری بر روی راه‌اندازی یک شغل خانگی دارند از اولویت‌بندی، با استفاده از میانگین رتبه‌ای استفاده شده است. تقسیم‌بندی هر کدام از عوامل نیز بر اساس ادبیات موضوع شکل گرفته است. بر اساس یافته‌ها به-طور میانگین در کل دهستان قوری قلعه عوامل اقتصادی با میانگین ۴ از سایر عوامل تأثیر بیشتری در ایجاد و راه‌اندازی شغل خانگی داشته است. همان‌گونه که در جدول (۳) آمده است سایر عوامل موثر بر ایجاد مشاغل خانگی در این دهستان به ترتیب عوامل آموزشی، مدیریتی و انگیزشی - جامعه‌شناختی می-باشند. در بررسی جزئی‌تر روستاهای دهستان قوری قلعه مشخص شد که در روستای چشمه‌میران از بین عوامل ذکرشده عامل اقتصادی تأثیرگذارترین عامل در جهت

ایجاد و توسعه مشاغل خانگی بوده است، که دو گویه حذف هزینه‌های ایاب‌وذهاب با میانگین ۵ و پایین بودن هزینه‌های راه‌اندازی و تعلق گرفتن وام کم بهره با میانگین ۴/۸۸ از سایر عوامل موثرتر بوده است. طبق یافته‌های پژوهش در روستای قوری قلعه نیز تأثیر عوامل اقتصادی بر ایجاد مشاغل خانگی بیشتر از سایر عوامل بوده، همچنین، در این روستا از میان عوامل اقتصادی دو عامل کسب درآمد با میانگین ۴/۳۸ و حذف هزینه‌های ایاب‌وذهاب با میانگین ۴/۱۴ بیشتر از سایر عوامل تأثیر داشته‌اند. در روستای شبانکاره نیز عامل اقتصادی از سایر عوامل بیشتر بوده و در بین عوامل اقتصادی دو عامل فقرمالی و کسب درآمد با میانگین ۴/۰۳ و عامل امکان استفاده از نیروی کار ارزان با میانگین ۳/۹۷ از سایر عوامل موثرتر تشخیص داده شده‌اند. نتایج در این پژوهش مشخص کرد که در روستای عایشه‌دول عوامل

موثرتر بوده‌اند. در روستای خوری آباد مشخص شد که عوامل آموزشی تأثیر بیشتری در راه‌اندازی یک شغل خانگی دارند. از بین عوامل دو عامل بازدید از کارگاه‌های مشاغل خانگی افراد موفق با میانگین $4/88$ و انتقال تجارب به شیوه استاد شاگردی با میانگین $4/63$ می‌توان بیشترین تأثیر را در راه‌اندازی مشاغل خانگی داشته باشد. در روستای لوزایی عوامل انگیزشی و جامعه‌شناختی موثر بر ایجاد و توسعه مشاغل خانگی موثرتر از سایر عوامل بوده است. طبق دیدگاه روستاییان از بین این عوامل گویه‌های وجود نوآوری و خلاقیت با میانگین 4 و انگیزه‌های کارجویانه و خودآگاهی و عدم وابستگی به غیر با میانگین $4/67$ موثرتر از سایر عوامل بوده است. در روستای نوخان نیز روستاییان این روستا اذعان داشتند که عامل اقتصادی موثرتر از سایر مولفه‌ها است. در میان عوامل اقتصادی نقش دو عامل کسب درآمد با میانگین 5 و پایین بودن هزینه‌های راه‌اندازی با میانگین $3/67$ از سایر گویه برجسته‌تر می‌باشد (جدول ۳). لازم به توضیح است که این نتایج با برخی از نتایج Pouratashi و KHonifar (2010) و Tipple (2006) (2010) مطابقت دارد.

آموزشی موثرتر از بقیه عوامل در ایجاد مشاغل خانگی بوده است. از بین گویه‌های این عامل دو گویه برگزاری کارگاه‌های معرفی مشاغل خانگی با میانگین $4/75$ و بازدید از کارگاه‌های افراد موفق و پیشرو در این زمینه با میانگین $4/5$ از سایر گویه‌ها برجسته‌تر بوده‌اند. در روستای ده‌لیلی مشخص شد که عوامل اقتصادی بیشتر از سایر عوامل در راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی تأثیر داشته است. در بین عوامل اقتصادی نیز دو گویه کسب درآمد با میانگین $4/82$ و حذف هزینه‌های ایاب‌وذهاب با میانگین $4/53$ از سایر عوامل تأثیرگذارتر بوده‌اند. در روستای بن‌چله نیز مثل اکثر روستاهای مورد مطالعه عوامل اقتصادی موثرتر از سایر عوامل بوده‌اند و دو عامل کسب درآمد با میانگین $4/58$ و تعلق گرفتن وام کم بهره با میانگین $4/35$ بیش‌ترین تأثیر را داشته‌اند. در روستای بزگوره بر خلاف روستاهای فوق عامل انگیزشی و جامعه‌شناختی به‌عنوان عاملی که بیشترین تأثیر را روی راه‌اندازی و توسعه مشاغل خانگی معرفی شد. در میان عوامل انگیزشی و جامعه‌شناختی دو عامل انگیزه-های کارجویانه با میانگین $4/95$ و عامل نبود کارخانه یا کشاورزی با بهره‌وری بالا با میانگین $3/88$ از سایر عوامل

جدول ۳- عوامل موثر بر ایجاد خانگی در دهستان قوری قلعه

روستا	عوامل	انگیزشی و جامع شناختی	آموزشی	اقتصادی	مدیریتی
کل دهستان	۳,۷۳۰	۳,۷۶۶	۴,۰۰	۳,۷۲۵	
چشمه میران	۴,۴۰۲	۳,۹۷۶	۴,۴۰۲	۳,۹۴	
قوری قلعه	۳,۰۸	۳,۵۲۰	۳,۹۶۳	۳,۱۶۴	
شبانکاره	۳,۴۴۲	۳,۶۵۶	۳,۶۷۷	۳,۳۸۴	
عایشه دل	۳,۴۰۳	۳,۷۸۱	۳,۷۵	۳,۴۵	
ده لیلی	۳,۵۶۶	۴,۱۲۱	۴,۲۶	۴,۱۱	
بن چله	۳,۵۶۶	۳,۷۸۱	۴,۰۰	۳,۷۳۱	
بز گوره	۳,۸۴۶	۳,۷۸۲	۳,۷۳۰	۳,۶۹۴	
خوری آباد	۳,۵۷۲	۳,۷۶۳	۳,۷۱۶	۳,۵۱۱	
لوزایی	۳,۴۳۵	۳,۱۶۶	۳,۳۷۰	۳,۰۰	
نوخان	۲,۹۲۳	۲,۷۰۸	۳,۲۲۲	۲,۵۰۰	

تحلیل موانع توسعه مشاغل خانگی در دهستان قوری قلعه

یکی از مهم‌ترین اقدامات جهت توسعه مشاغل خانگی، شناسایی موانع و مشکلات چنین فعالیت‌هایی در منطقه تحت برنامه‌ریزی است. در این تحقیق، این موانع که در ادبیات تحقیق شناسایی شده بودند با تکنیک تحلیل عاملی دسته‌بندی و خلاصه‌شده و اهمیت هر یک تعیین گردید. به‌منظور تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از دو شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. از آنجا که شاخص $KMO=0/804$ و بیش از $0/70$ می‌باشد، لذا داده‌ها به‌طور کلی، برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده می‌شود. همچنین، مقدار آزمون بارتلت $3/402$ بود که در سطح یک درصد معنی‌دار بود.

در این تحقیق در کل ۴ عامل بر اساس مقدار ویژه بالاتر از یک (ملاک کیسر) استخراج شده است که در مجموع $61/56$ درصد واریانس موانع توسعه چنین فعالیت‌هایی را تعیین کردند. برای تفسیرپذیر کردن عامل‌ها، از روش چرخش واریماکس استفاده شد. در ماتریس به دست آمده، هر متغیری که بار بیشتری بر یک عامل داشته باشد، بدان تعلق می‌گیرد. بر این اساس ۴ عامل استخراج شد (جدول ۴).

جدول ۴- عوامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه و واریانس تبیین شده پس از چرخش

گویه	مقدار ویژه	بعد از چرخش	
		درصد واریانس تبیین شده	درصد تجمعی واریانس تبیین شده
۱	۴/۳۸۱	۱۹/۰۴۹	۱۹/۰۴۹
۲	۴/۱۰۸	۱۷/۸۶۱	۳۶/۹۱
۳	۲/۹۴۷	۱۲/۸۱۴	۴۹/۷۲۴
۴	۲/۷۲۱	۱۱/۸۳۲	۶۱/۵۵۵

نام‌گذاری عامل‌ها

با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص‌ها می‌توان اسامی یا عناوین مناسبی را برای هر یک از آن‌ها انتخاب نمود (Taghvaei & Rahmati, 2005). بعد از مشخص کردن آیت‌هایی که از نظر تجربی به یک

عامل تعلق دارند، باید کوشید از اشتراک تجربی متغیرهایی که بر عامل معینی بار شده‌اند، به استنتاج اشتراک مفهومی دست یافت و آنگاه به نام‌گذاری عامل-ها اقدام نمود. که در این تحقیق این عوامل شامل موانع؛ اقتصادی، ساختاری و مدیریتی، جامعه‌شناختی و آموزشی می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که عامل اول با $19/049$ درصد از تبیین واریانس کل، بیشترین سهم و عامل چهارم با $11/832$ درصد، کمترین سهم را در تبیین واریانس کل داشته‌اند (جدول ۵).

جدول ۵- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و مقدار بار عاملی به دست آمده از ماتریس دوران یافته

موانع توسعه مشاغل خانگی	متغیرها	بار عاملی
موانع اقتصادی	بالا بودن قیمت مواد اولیه	۰/۸۰۹
	فقر و ناتوانی مردم	۰/۷۴۳
	سخت و طاقت‌فرسا بودن بعضی نبود بازار فروش محصولات	۰/۵۹۲
	عدم حمایت مالی دولت	۰/۵۶۴
موانع ساختاری و مدیریتی	ناتوانی رقابت تولیدکننده کوچک	۰/۷۸۷
	وجود دلال در بازار	۰/۷۱۹
	تزلزل اقتصادی و ترس از نبود طرح کسب‌وکار	۰/۷۰۰
	وجود واردات و عدم انگیزه تولید	۰/۶۷۱
موانع اجتماعی	موانع قانونی	۰/۵۹۰
	نبود سازمانی مشخص جهت بیمه نبودن افراد شاغل در بخش	۰/۴۷۷
	در تضاد بودن زندگی شخصی و عدم همکاری سایر اعضای	۰/۸۸۴
	عدم حمایت افراد خانواده	۰/۸۸۱
موانع آموزشی	تداخل کار و زندگی ممکن است	۰/۷۸۱
	عدم آشنایی مردم با ظرفیت‌های	۰/۷۴۵
	در دسترس نبودن آموزش	۰/۶۷۱
	نداشتن تخصص	۰/۶۶۱
	نداشتن تجربه کافی	۰/۶۱۰
	بی‌سوادی	۰/۴۶۴

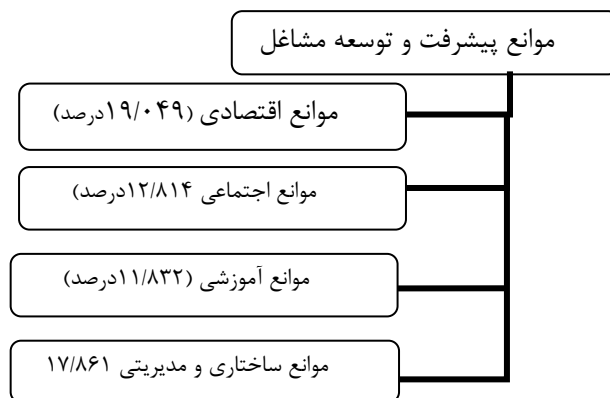
بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی مشخص شد که ۴ عامل بیان شده یعنی موانع اقتصادی، ساختاری و مدیریتی، موانع جامعه‌شناختی و موانع

جامعه‌شناختی با مقدار ویژه ۲/۹۴۷ بیشتر از ۱۲ درصد از کل واریانس موانع و محدودیت راه‌اندازی شغل خانگی را از دیدگاه روستاییان تبیین کرده است. این عامل ۵ متغیر را در بر گرفته است. متغیرهای بارشده بر این عامل به همراه بارهای عاملی در جدول (۵) نشان داده شده است. چهارمین عامل که بیشترین واریانس را تبیین می‌نماید، عامل آموزشی با مقدار ویژه ۲/۷۲۱ که به تنهایی ۱۱/۸۳۲ درصد واریانس را تبیین می‌کند. بر اساس یافته‌های تحقیق ۵ متغیر بر این عامل بار شده‌اند که متغیر عدم آشنایی با ظرفیت‌های منطقه، دارای بیشترین بار عاملی (۰/۷۴۵) بوده است.

نتایج این قسمت از پژوهش با برخی نتایج مطالعات (Hisrich 1999)؛ (Zarafshani 2007)؛ (Bucar, et al, 2003) و (Kvrtak & Richard, 2004) مطابقت دارد.

آموزشی در مجموع ۶۱/۵۶ درصد تغییرات متغیر موانع توسعه و پیشرفت مشاغل خانگی را بیان می‌نماید. یعنی اگر در برنامه‌های توسعه مشاغل خانگی ۴ عامل مورد توجه مناسب قرار گیرد، می‌توان اعتقاد داشت موانع توسعه مشاغل خانگی تا حد زیادی ملاحظه شده است. همان طور که در جدول (۵) مشاهده شده می‌شود، در مجموع ۵ متغیر به عامل اقتصادی بار شده‌اند که متغیر «بالا بودن قیمت مواد اولیه» با بار عاملی (۰/۸۰۹)، «فقر و ناتوانی مردم با بار عاملی (۰/۷۴۳)» و «سخت و طاقت فرسا بودن بعضی مشاغل خانگی و درآمد پایین آن‌ها با بار عاملی (۰/۵۹۲)» دارای بیشترین بار عاملی بوده‌اند. دومین عامل که بیشترین مقدار واریانس را تبیین نموده است (۱۷/۷۶۱) عامل ساختاری و مدیریتی نام‌گذاری شده است که ۸ متغیر به این عامل بار شده‌اند. متغیر «ناتوانی رقابت تولید کننده کوچک در بازار» با بار عاملی (۰/۷۸۷)، دارای بیشترین بار عاملی می‌باشد. عامل

شکل ۲- موانع پیشرفت و توسعه مشاغل خانگی



تنوع‌بخشی به فعالیت‌های غیر کشاورزی رامی توان عاملی تأثیرگذار در کاهش فقر روستایی دانست. ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستاییان، کشاورزان و عشایر، توسعه پایدار روستاها و مناطق کشاورزی و رفع فقر با تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید و تنوع‌بخشی و گسترش فعالیت‌های مکمل و اقتصادی به ویژه صنایع تبدیلی و روستایی و خدماتی نوین امکان‌پذیر می‌باشد.

در این روستاها نیاز به آموزش برای ایجاد مشاغل خانگی کاملاً ملموس می‌باشد، چرا که در اکثر مشاغل و در اغلب روستاها توانایی فرد نسبت به پتانسیل‌های منطقه کمتر بوده، با آموزش‌های ساده و دوره‌های کوتاه

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تنوع‌بخشی به فعالیت‌های غیر کشاورزی عاملی تأثیرگذار در کاهش فقر روستایی است: ایجاد هر ناحیه صنعتی در مناطق روستایی همراه با گسترش خدمات زیرساختی است. راه مناسب، شبکه انتقال برق و مخابرات، مؤسسات خدماتی حمل‌ونقل و مانند آن از پیش‌نیازهای ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی بوده و به تبع ساکنان روستایی پیرامون این نواحی نیز از این مزایا بهره‌مند می‌شوند. به هر حال درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی برای برخی افراد ممکن است اشتغالی در حد معیشت ایجاد کند، بدون شک

انگیزه برای جذب و توسعه سرمایه‌گذاری در این بخش با پوشش مناسب بیمه، کاهش احتمال زیان تولید، اجرای سیاست‌های حمایتی و متعادل کردن سطح سودآوری مشاغل خانگی با سایر بخش‌های اقتصادی، تخصیص یارانه هدفمند به بخش صنایع کوچک و مشاغل خانگی، حمایت از ساخت زیربنای، قابلیت انعطاف در شرایط محیطی مختلف و ارتقاء قدرت رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی همچنین برگذاری دوره‌های کوتاه مدت ترویجی و کلاس‌های فنی حرفه‌ای از دیگر فعالیت‌هایی است که مسئولان در جهت راه‌اندازی هر چه بهتر این مشاغل انجام دهند. شناساندن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بومی منطقه به مردم و به خصوص واقع‌بینانه نمودن نگاه آن‌ها به پتانسیل‌های تنوع تولید با مشاوره تخصصی (از طریق دفاتر مشاوره اشتغال و کارآفرینی) می‌تواند عاملی جهت جهت دادن به تلاش روستاییان برای تنوع تولید در غالب مشاغل خانگی باشد.

مدت، با تأمین اعتبارات به صورت کمک‌های بلاعوض و یا وام‌های که دولت جهت تأمین اعتبار برای بنگاه‌های زودبازده در نظر دارد، تسهیل شرایط این وام‌ها (چرا که ساکنین روستا توان ضمانت‌های بانکی را ندارند)، تشکیل گروه‌های سازمان‌یافته در منطقه تا به راهنمایی مردم جهت ایجاد این بنگاه‌ها بپردازند، می‌توان، توان افراد را به منظور راه‌اندازی یک شغل خانگی بالا برد.

اصلاح بخش مشاغل خانگی با آموزش روستاییان به رعایت اندازه‌های فنی - اقتصادی واحدهای تولیدی متناسب با نوع فعالیت و شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی و اقلیمی کشور و تأکید بر جهت‌گیری حمایتی دولت از این سیاست‌ها به ویژه در واگذاری وام‌های حمایتی امکان‌پذیر می‌باشد.

نوسازی نظام مشاغل خانگی بر مبنای دانش نوین و بومی‌سازی فناوری‌های روز، تربیت، حفظ و تجهیز نیروی انسانی مورد نیاز، توسعه و تقویت تعاونی‌ها و سایر تشکلهای اقتصادی، اجتماعی، صنفی و تخصصی با مشارکت آحاد جامعه و رقابتی نمودن فعالیت‌ها در این بخش به پیشرفت این مشاغل کمک شایانی می‌کند. گسترش زیرساخت‌ها و ایجاد

REFERENCES

1. Abassian, M. Asmin, A. H., Nazerian, N. & Erandegani, U. (2011). Activity and employment status of women in Sistan and Baluchistan, *Cultural Issues - Defense for Women and Families*, 5(17). pp. 147-177. (In Farsi).
2. Alvani, S. (2009). *The fate of future work, public administration*, printing 36, Tehran, Reed Publishing. (In Farsi).
3. Arasti, Z. (2005). Development of academic women and girls' entrepreneurship. quarterly journal of Ruyesh 1(8).pp 16-21. (In Farsi).
4. Borg, W. R., & Gall, M. D. (1971). *Educational Research: An Introduction*. New York: David McKay Company. Inc., 1971.
5. Bucar, B., Glas, M., & Hirsch, R. D. (2003). Ethics and entrepreneurs: An international comparative study. *Journal of Business Venturing*, 18(2), 261-281.
6. Bureau of Statistics. (2012). *Kermanshah province*. Retrieved April 20, 2012, From <http://www.ostan-ks.ir/Portal/Home>. (In Farsi).
7. Carter, S., Mason, C., & Tagg, S. (2006). Lifting the barriers to growth in UK small businesses. *Policy Document*, 331.
8. Census Bureau(1998). Increase in at home workers reverses earlier trend, V.S. department of commerce economics and statics administration. Available at: <http://census.gov/library/publications.html>
9. Emamie, M. A. (2004). Italy's labor market and labor-sending areas of the country. *Journal of Political Information - Economics* No17. (pp. 204-2030) (In Farsi).
10. Finmark Trust. (2006). *Home based entrepreneurs*. From : www.finmark.org.za
11. Fry, F. (1993). Entrepreneurship: A planning Approach. Englewood cliff's article Hall.P142-159

12. Golabi, A. M., Hossaini, Kh. S. M., Rezvani, M. & Yadollahi, J. (2010). The importance of the entrepreneur in the marketing business and homework center. *The first national conference of home businesses development*, "Challenges and Solutions", Tehran (In Farsi).
13. Hirsch, R. D., & Fulop, G. (1994). The role of women entrepreneurs in Hungary's transition economy. *International Studies of Management & Organization*, 24(4), 100-117.
14. Kent T. Nielsen & Kjeldsev John Ibsen (2000). *Women Entrepreneurs Now and in the Future. Danish Agency for Trade and Industry. Firdt edition. Denmark.*
15. Khonifer, h., Azarm, A. M., & Zamani, M. (2010). The role of demographic factors on household jobs, domestic jobs Development. *The first national conference of home businesses development*, "Challenges and Solutions", Tehran (In Farsi).
16. Krejcie, R. V. & Morgan, D. W. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement journal*. No:30. Pp 607-610.
17. Kvrtafv, Donald, F., & Richard, M. (2004). *New area to Entrepreneurship*. Translated by Amel mehrabi, E. And Tbaraei, M. Ferdusi University Press (2004). 5th Edition. Mashha. Iran.
18. Mavalizadeh, M.R. (2011). Organizer plan to support home buy- senses in the field of employment expand, First national conference on expending home jobs, challenge and strategies. Tehran. Iran
19. Ministry of Labor and Social Affairs, (2009). *Home Jobs Career development capabilities*. From <http://iscanews.ir/Fa/shownewsItem.aspx?newsItemID=311148>.
20. Nahid, M. (2011). *Role of home-based businesses in job creation, entrepreneurship, youth*, from <http://mojtabanahid.blogfa.com/post-3.aspx>. (In Farsi).
21. National association for the self-employed (2006). *How manage home_ based business are there?* From www.news.nase.org/news/home based .asp.
22. Pouratashi, M. (2010). Home business for women. *The first national conference of home businesses development*, "Challenges and Solutions", Tehran (In Farsi).
23. Rodgarnejad, F., & Kiakajori, K. (2010). Challenges and barriers to the development of home-based business, *the first national conference of home businesses development*, "Challenges and Solutions", Tehran (In Farsi).
24. Taghibaigi, M. (2011). A survey of rural woman and experts views on problems and solution of developing home businesses A case study: Islam abade gharb Township. *M. A. Thesis*, University of Razi, Iran. (In Farsi).
25. Taghvaie, M., & Safar, Gh. (2006). Indicators of Cultural Development in Iran's provinces, *Journal of Geography and Regional Development*. No: 7. Pp: 117-132 (In Farsi).
26. Tipple, G. (2006). Employment and work conditions in home-based enterprises in four developing countries: do they constitute decent work'? *Work Employment and Society*, 20(1), 167.
27. Walker, E., & Webster, B. (2004). Gender issues in home-based businesses. *Women in Management Review*, 19(8), 404-412.
28. Walker, E., Wang, C., & Redmond, J. (2008). Women and work-life balance: is home-based business ownership the solution?. *Equal Opportunities International*, 27(3), 258-275.
29. Zahedi, M. (20012). *Agricultural peripheral activities in rural areas of Iran*. From: www.irpress.org. (In Farsi).
30. Zarafshani, Q. (2007). Effecting Factors in rural entrepreneurs successful, Razi University Research Initiative. Research report. unpublished (In Farsi).